



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۸/۰۳/۱۷

محمد ایاز نوري آزاد

د نني افغاني مصیبت تاریخي تسلسل

افغان لیکوال د تاریخ څېړنوال شاعلي احسان لمر د گران هېواد افغانستان د یوه مهم سیاسي ملتپال گوند ((وېش زلمیان)) یا په بل عبارت «دریم مشروطیت»، چې بنسټ وال ئې یو ملي قهرمان مرحوم مظلوم محمد رسول خان پښتون وه، پخپله هر اړخیزه ارزښتناکه تحقیقي لیکنه کښې نشر ته ورکړې ده، (افغان جرمن آنلاين، آرشیف نویسندگان «وېش زلمیان» احسان لمر ۸۱ شمیره). په تعقیب د دغه مهم تحقیق اړوند، زما او د درانه محقق تر منځ په لاندې ډول مباحثه تر سره شوله.

تاریخ: 03.03.2018

محل سکونت: Holland

اسم: محمد ایاز نوري آزادي

گران معزز محقق احسان لمر صاحب، درته سلامتي او شه وختونه غواړم. مقاله تحقیقی تان تحت عنوان «موسس نهضت جوانان بیدار، مبارز ملی محمد رسول خان پښتون» را خواندم، مقاله مزین با چهار قطعه فوتو نهایت تاریخی و جالب ازین شخصیت وطن دوست ای حقیقی همراه با مطالب و محتوا مهم آن که در قلب و دماغ هر افغان با احساس افغاني تاثیر عمیق خویش را میگذارد. با ورق زدن تاریخ معاصر افغانستان عزیز ما، جنبش یا حزب (ویش زلمیان همان سلسله ای سیاسی نهضت با افتخار امانی بوده است که اگر توسط منسوبین ظالم خاندان نادری بی رحمانه قلع و قمع نمیشد، به باور اینجانب این کتله مبارزین راستین خلق افغانستان بیک حزب سرتاسری برای تمام مردم افغانستان تبدیل میشد، که درآنصورت همین حزب با چند گروه دیگر سیاسی مانع کودتا های عسکری در کشور ما میشدند. اما چون خاندان حاکم نادری ها از ترس اینکه این ارگ "انگلیس داد" را از دست ندهند و این در حالیکه بانی استقلال و افغانستان نوین امان الله غازی هم تا سال ۱۳۳۹ هجری شمسی حیات و مقیم کشور ایتالیا بودند، بناً حزب ویش زلمیان مورد غضب شدید خاندان واقع و موسس ارجمند آن که یک افغان اصیل بود، آن رسول خان پښتون هم طعم زندان عصر حجر آن زمان را به جرم وطن دوستی چشیده است. روح این شخصیت و دیگر فرزندان صدیق و مظلوم شاد و اجر بزرگ را در درگاه خداوند متعال حصول کرده اند، ان شاء الله...!

ستاسو قلم نور هم پیاوړی غواړم.
په مینه

تاریخ: 05.03.2018

محل سکونت: فرانسه

اسم: احسان لمر

«جناب نوری صاحب با عرض سلام ها و احترام و مثل همیشه با تشکر و سپاسگذاری از توجه تان به سطور این کمینه، تبصره پر محبت مورخ 2018/03/03 شما را خواندم، باید عرض کرد در (۱۵ اکتبر ۱۹۲۹ م.) خانواده نادر خان قدرت دولتی را بدست گرفتند که در 50 سال حکمرانی شان دولت سازی نکردند. - (ما بیرق و سرود و سمبول دولتی) نداشتیم. - ما نظام و دولت محافظ وطن نداشتیم. - معادن ما (به ارزش هزاران میلیارد دالر) جز اسرار سر پوشیده ماند. هر زمانی به بدبختی ملت و مردم فکر میکنم درس فیل مرغ های والاحضرت سردار هاشم خان (صدراعظم صاحب کبیر!!) به اسلافش یاد می آید و از آنجا سیاه روزی مردم را حساب می کنم. - ملت و کشور بازیچه جا طلبی و اختلافات درونی خانواده حکمران بود(اختلافات داود خان و سردار ولی، اختلافات سردار ولی و سلطان محمود غازی، اختلاف و کینه های شاه محمود خان و هاشم خان و....). - تعلیم و معارف و مطبوعات روز به روز به سوی قهقرا سوق می شد. و دهها بدبختی دیگر در همین حالت

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رایرلو مخکې په خیر و لولئ

یگانه مشغولیت دولت داران سرکوب دد منشانه و ریشه کن کردن وطن و مردم دوستان بود و بس. محمودی و غبار و پشتون و بلخی و دیگران باید با وحشت سرکوب می شدند چون مردم با آنها بود و حکمرانان به خلیلی و رشتیا و فرهنگ و شرق ... و امثال آنها علاقه داشتند هر کسی نظر و علاقه به مردمش داشت با عناوین مختلف سرکوب شد کودتا با همکاری پاکستان و سلاح آمریکائی که از طریق شوروی وارد می شد؟؟؟ (که این ادعا احمقانه خود را تا آخرین لحظات عمر نظام شان ثابت نتوانسته و به محاکم نه سپردند) و باز هم کودتا دیگر را با همدستی پاکستان کشف و سر های بی گناه را سر به نیست کردند....

پشتون صاحب سالهای متمادی در کوته قلفی که از زنده و مرده او کسی اطلاع نداشت به سر برد. گناه محمودی تا آن حد بزرگ بود که تا آخرین رمق زندگی در سلول زندان ماند، سرور جويا و کی و کی های دیگر سرگذشت بهتر نداشتند که متتوی نه من کاغذ می شود. یکبار دیگر از الطاف همیشگی تان ممنونم.»

گران لمر صاحب! نوشته چند سطری فوقانی شما آنقدر تهادی و عمیق است که تفکر خیلی جامع و وسیع را بکار دارد. برای هر افغان رسالتمند و بالخصوص نسل جوان کشور خیلی لازم است که در تاریخ معاصر وطن، این عصر نیم قرنه ای خاندان نادری را در ترازوی حق و حقیقت بطور منطقی و علمی دقیق بسنجند. ما مردم افغانستان چرا بعد از سلطه نیم قرنه ای این خاندان در کام دو کودتای عسکری مصیبت زا در جریان پنج سال (از سال ۱۳۵۲-۱۳۵۷ هجری شمسی) فرو رفتیم...؟! چنانچه اینجانب منحصیث یک افغانیکه خود از تاریخ ۱۵ حوت سال ۱۳۴۵ شمسی روز رفتن ام به صنف اول مکتب در شهر کابل بود، حاضر و ناظر حالات وطنم چه در وقت شاهی مشروطه!، جمهوری! ۵ ساله صرف بنام داود خان و بعداً کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ش تحت نام انقلاب کبیر ثور! بوده ام. بلی، به تائید فرموده ای شما، خاندان در طی حاکمیت سیاسی مدت نیم قرنه خویش برای ما دولت را به معنی واقعی کلمه نخواستند، بسازند یا نتوانستند که در هر دو صورت نزد ملت افغان مسئول درجه یک هستند. اما بنظر اینجانب اینکه مشکل اینان در کجا بود؟ اصولاً یک دولت قانونی متشکل از حکومت (کابینه وزراء)، قوه مقننه (پارلمان حقیقی از نمایندگان تمام مردم ساکن کشور)، قوه مقننه با صلاحیت مستقل میباشد، حال چون اینان از تهاداب بروی غداری و فریبکاری در مقابل محصل استقلال اعلیحضرت امان الله خان غازی و نا شایستگی و غیر مستحق، قدرت سیاسی را غصب کرده بودند، در قدم اول خود این خاندان حاکم به محاسبه ملت احضار میشدند. بناً با ایجاد یک دولت مدرن قانونی از روبرو شدن با مردم افغانستان و بالاخص با روشنفکران سخت هراس داشتند و خویش را در پشت در های بسته ای ارگ شاهی پنهان کرده بودند و بیشترین توجه ایشان به شخصیت های امانی و یا متعهدین سرتیر مشروطیت سوم معطوف شده بود که باید این طیف اشخاص در اولین فرصت و بطور قاطعانه محو و نابود شوند. در تفاهم با ولینعمت ایشان استعمار مکار انگلیس با کافه مردم افغانستان فقط راه ظلم و دیکتاتوری را در پیش گرفته بودند. دستگاه استخباراتی شان جهت ایجاد ترس و رعب در بین مردم کشور نهایت فعال بود. پیش آمد و رویه ای هر عضو این خاندان با پیشانی ترش ای چین دار تو ام با ظلم و تخویف بود. توضیحات مستند در زمینه در کتاب تکان دهنده (افغانستان در مسیر تاریخ جلد دوم، مرحوم غبار مسلسل آمده است). چقدر مضحک بوده است که ما مردم افغانستان تا سال ۱۳۴۳ش توسط نظام شاهی مطلقه اداره شده ایم. به تعقیب تا سال ۱۳۵۲ش تحت شاهی دروغین شاهی بعداً از سال ۱۳۵۲ش تا سال ۱۳۵۷ش توسط نظام جمهوری دروغین بسر برده، متعاقباً در نیش مار زهری ۷ ثور ۱۳۵۷ش گیر ماندیم، که این تسلسل مصیبت بار تا اکنون در کشور ادامه دارد.

بلی، عجب یک مملکت غنی از همه نعمات زندگی خدا داد... به تائید فرمایش جناب، معادن به ارزش میلیارد ها دالر ما در طی نیم قرن اصلاً عمداً سربسته نگهداشته شدند. و اما در باره ذکر قصه فیل مرغ های صدراعظم کبیر هاشم خان مشهور به جلاذ خونریز... واقعاً چقدر نا بخشودنی است که یک دولت حاکم، دوام حاکمیت نا مشروع و تحمیلی خویش را در (گرسنه نگهداشتن) ملت خویش بسنجد. پیرامون این عمل شنیع هاشم خان نویسنده و شاعر مظلوم مرحوم سید همایون اولسی، پسر شهید سید حسن خان شیون فرقه مشر، معین صاحب حربیه در کتاب خویش « هلی او اندپنبنی» در صفحه ۲۳۲ چنین آورده است: « د سردار هاشم خان صدراعظم نصیحت: د ظاهر شاه تره سردار هاشم خان صدراعظم یو وخت خپل د کور او خاندان غړي را مېلمانه کړل او د هغو تر مخ ئې مرو چرگانو ته داني واچولې، یو چرگ هم ورته رانغی. بیا ئې ورو چرگانو ته داني وشیندلی، چرگانو تپ تپي په دانو پسي منډې وهلې. سردار خپلې کورنې ته وویل: د افغانستان خلک داسې خاصیت لري، که ماره وي، په چا اعتناء نه کوي. که وړي وي، او چا ورته ډوډی ونيوه، بیا ورپسي منډې وهي. نو فکر مو اوسه، چي دا خلک وړي وساتي. نو ځکه دې سردار پخپله شپارس کلنه دوره د صدارت کبني داسې کار ونکړ، چي د ملت گټه په کبني وي...؟! دا قصه ماته زما د یوه ملگري د هغه زمان د کار د لواء د یوه صاحب منصب د سترگو لیدلي واقع وه.»

لمر صاحب عزیز، حتی اگر این داستان افغان دشمن و شرم اور دروغ و واقعیت هم نداشته باشد، عملکرد نیم قرنه ای این خاندان بی رحم و زشت قواره نزد ما مردم افغانستان ثبت است. در حالیکه اگر شخصیت خطرناک و پر عقده هاشم خان را مد نظر بگیریم، شکی در زمینه همچو نصیحت باقی نمیماند. از طرف دیگر چشم دید ماست که تا

وقوع کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ش حتی در پایتخت زیبای کابل ما یک گیلان شیر برای هر باشنده ای این شهر بد بخت وجود نداشت. عدم آب صحنی برای همه، نبود برق برای همه، نبود ترانسپورت شهری برای همه، عدم سیستم برای تصفیه مواد بیت الخلا ها، پایتخت ملوث به بوی بد، کمبود و قیمتی مواد غذایی، کمبود مسکن، خرابی سرک ها و کوچه ها مملو از گل و از گرد و خاک، جاده میوند شهر کابل در زمان صدارت شاه محمود خان به همت شخصیت وطن خواء غلام محمد خان فرهاد در قلب شهر احداث شد، اما برای شاه و صدراعظم چرا مشکل بود، که در همان آغاز اجراء این پلان سری به محل کار زده، به انجنیران مربوط پروژه امر میکردند که اینجا پایتخت کشور عزیز ماست از همین حالا مسله کانالیسایون و بد رفت دو جناح جاده را در نظر گرفته عملاً آنرا احداث کنید. کمبود خدمات صحنی، کمبود مکاتب برای پایتخت نشینان و شش گروهی کابل... شاید یک کسی خنده کند، اگر در آن زمان یک خارجی نابلد در قسمت پل باغ عمومی به حمله شدید اسهال دچار میشد، این جناب چه میکرد، باید به دریای کابل پایان میشد! این حکمرانان از خارجی هم کمی شرم نمیکردند. داخلی خو نزد ایشان هیچ انسان نبود. جالب و عجیب است اینقدر نفرت و احساس بی رحمی این خاندان در مقابل مردم که هموطنان و هم خون ایشان بودند. احساس یک دشمنی عمیق در مقابل اعلیحضرت امان الله غازی مهاجر در شهر روم، الی کوشش عملی برای کشتن فزیکتی او شان، سایر خدمتگزاران مخلص به این مردم و وطن، کشتن، زدن و به زندان انداختن، تهمت و افتراء بیک شخصیت ارجمند بستن، تهدید و توهین جز مصروفیت و عادات روزگار فرد فرد خاندان ناجی؟ و حاکم بود.

- سید حسن خان شیون معین وزارت حربیه، علیه ما کودتای نظامی میکرد، کدام است اسناد موثق؟ عنقریب ارائه میکنیم. که تا امروز تقدیم ملت نه شد!
- وزیر مالیه عبدالملک خان عبدالرحیم زی علیه ما کودتای عسکری میکرد. کدام است اسناد؟ چپ گپ نزن که از او ترا بد تر جزا میدهیم.
- محمد هاشم میوند وال و و فلانی جنرال... علیه ما کودتا میکرد، کدام است اسناد موثق و اقرار آزادانه خود ایشان در حضور هئیت منصف؟ چپ، گپ نزن... فقط قبول کن!
- رسول خان پشتون به کدام جرم و گناه کوتاه قلفی زندان عصر حجر دهمزنگ، مرده و زنده اش گم شد! چپ، گپ نزن او و رفقای او میخواستند، پلان های امان الله خان را در افغانستان عملی سازند.
- و درینجا به پیشگوئی مبارز ملی و تحلیلگر والا مقام مرحوم میر غلام محمد خان غبار در جلد دوم، افغانستان در مسیر تاریخ، صفحه ۲۷۱ چنین نوشته است، توجه کنیم:
- «تاریخ افغانستان طی دوره بیست سال دیگر حکمروائی خانوادگی از ۱۳۳۲-۱۳۵۲ (از ۱۹۵۳ تا ۱۹۷۳) خود محتاج مجلد مستقلی است که باید نوشته شود. درینجا صرف باید گفت: پس از سرنگونی صدارت شاه محمود خان (کاکای ظاهرشاه پادشاه افغانستان) کابینه محمد داود خان (پسر کاکای ظاهرشاه) بمیان آمد (در سال ۱۹۵۳). درین دوره دیگر حرفی حتی از نام دیموکراسی در بین نبود و رژیم سلطنتی، حکومت نظامی قدیم را مجدداً برقرار کرد که احدی قادر به تنفس آزاد نبود. بعد از سقوط صدارت محمد داود خان (در سال ۱۹۵۳)، یک ((دموکراسی)) از طرف دولت از ((بالا)) اعلام شد که سران حکومتی آنرا گاهی ((دموکراسی اسلامی افغانی)) و گاهی ((دموکراسی تاجدار)) میخواندند، و بعضی از منتقدین آنرا ((دموکراسی قلبی)) مینامیدند. در ضمن آن بعضی حزب های ساخته گی وابسته دولت به شعار سوسیالیزم بمیدان آمد و با پشتیبانی دولت در خنثی کردن فعالیت های منورین صادق داخل عمل شد. در هر حال این ظاهر امر بود و در باطن همان اداره ارستوکراسی قدیم و خود مختاری خانواده سلطنتی باقیماند. در حالیکه صدراعظم این دوره از خدام سابقه دار شاهی که بار ها سفیر و وزیر در دوره های استبدادی آشکار سلطنت بودند، منتخب میگردید. چون محمد یوسف خان، محمد هاشم میوندوال، نور احمد اعتمادی، و داکتر عبدالظاهر خان و موسی شفیق.
- پس از پایان دوره این ((دموکراسی نمایشی)) که منظور آن بد نامی و ناکامی دموکراسی در افغانستان بود، باز هم یک نفر از اعضای خانواده شاهی (محمد داود خان کاکا زاده ظاهرشاه) رژیم جمهوری را نیز از ((بالا)) اعلام کرد (۱۹۷۳) و استبداد شدید سابق را بار دیگر آشکارا آغاز کرد. و تا تاریخ تحریر این کتاب عاقبت کار کشور کمافی السابق مبهم، مظلوم و مجهول است...».
- بلی، لمر عزیز! طبق تحلیل شما ۴۹ سال یا مدت نیم قرن که در کشور یک صلح و آرامش سرتاسری حاکم بود، خاندان حاکم از ترس بیداری سیاسی مردم افغانستان، دولت را برای ما نساختند. خاندان نادری درین مدت به خوبی میتوانستند، یک دولت ملی به مفهوم حقیقی آن را اعمار کنند که در آن تشکل همه مردم افغانستان از هر طبقه، فشر و مفکوره خود را میدیدند و قانون بالای هر فرد مملکت تطبیق میشد. در پهلوی ده ها مظالم و خیانت های ملی منسوبین این خاندان تنها ظلم ایکنه اینان بطور عمدی در حق بهترین فرزندان افغانستان تاریخی ما که در تشکل شرافتمند و پیش زلمیان تجمع کرده بودند، برای کش کردن ایشان به محکمه ملت کفایت میکند.

- اینک پس از گذشت ۴۵ سال از تاریخ تحریر آن پیشگویی عالمانه، وطن خواهانه و منطقی مرحوم غبار عاقبت این کشور...سرنوشت کشور عزیز ما مبهم و نا معلوم است. راستی که این مثنوی نه من کاغذ را پر میکند که من در همین جا بسنده میشوم.

پایان

د پانوی شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ